

جایگاه قرآن در فهم مؤلفه های سبک زندگی اسلامی

نویسندگان: مجتبی محسنی^۱، عبدالرضا محمدحسین زاده^۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۶

چکیده:

بی تردید در مسیر بدست آوردن سبک زندگی اسلامی باید به خاستگاه آن یعنی همان فرهنگ اسلامی مراجعه نمود و روشن است که منبع اصلی و اساسی فرهنگ اسلامی، کتاب الله و قرآن کریم می باشد، اما از آنجا که سبک زندگی سطحی ترین لایه های زندگی را به عمیق ترین لایه های آن پیوند می زند و از سوی دیگر قرآن کریم از جهت جاودانگی، از کلیت در آموزه ها برخوردار است، این پرسش را ایجاد کرده است که قرآن، بویژه با تغییر و تحولات جوامع و پیچیدگی های فرهنگ، چه جایگاهی در ارائه مؤلفه ها و شاخصه های سبک زندگی دارد و آیا قرآن در این زمینه از شرط لازم و کافی برخوردار است، یا اینکه قرآن خاستگاه ارائه بخشی از شاخصه های زندگی اسلامی در عصر جدید می باشد.

برخی عقل و سنت و دانش های تجربی را منبعی هم عرض با قرآن معرفی می نمایند، حال آنکه با نظر به فرایند اجتهاد - که نظام واره ی فهم آموزه های اسلامی در هر زمینه می باشد - قرآن منبع اصلی و اصل منبع در این مسیر می باشد و سایر منابع - عقل، سنت و بویژه دانش های تجربی - تنها ابزارهایی در مسیر استخراج آموزه های قرآن کریم از سطحی ترین لایه های زندگی تا عمیق ترین لایه های آن می باشد.

واژگان کلیدی:

سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، مؤلفه های سبک زندگی، قرآن

۱- مقدمه

دین و سبک زندگی از جمله مفاهیم سهل و ممتنع است. با وجود تعریف های بسیار و تلاشی که برای هم گرا کردن آنها صورت گرفته است هنوز اتفاق نظری در مورد مفهوم آن وجود ندارد لکن دست یافتن به مفهومی شفاف و مبین، برای ورود در مباحث مربوط به آن، امری ضروری می نماید. اما بهر حال سبک زندگی، مجموعه ای در هم تنیده از الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی برآمده از نظام معنایی متمایزی است که یک فرهنگ در یک جامعه انسانی ایجاد می کند و در خصوص دین نیز هم چنین با مرور تعریف های گوناگون،

^۱ - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، Mojtaba mohseni@yahoo.com

^۲ - دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، a_mhosseinzadeh@yahoo.com

در خصوص دین، بنا به دیدگاه کسانی که دین را پدیده فرهنگی می‌دانند دین امری است مستقل از فرد متدین و مجموعه‌ای از آموزه‌هاست که فرد متدین آن را فرا می‌گیرد و به آن عمل می‌کند و از نتایج آن بهره‌مند می‌شود. (مهدوی کنی-۱۳۸۷- ص ۲۶)

و از آنجایی که هیچکدام از جوامع بشری را نمی‌توان عاری از فرهنگ تصور کرد بنابراین می‌توان گفت تمامی اجتماعات انسانی، از ابتدای تاریخ تاکنون دارای سبک‌های زندگی خاص خود بوده و از الگوهای رفتاری متناسب با شاخص‌های فنی خود برخوردار بوده‌اند.

در نتیجه می‌توان گفت، وقتی سخن از سبک زندگی اسلامی می‌شود، بی‌تردید خاستگاه آن فرهنگ مرتبط، یعنی همان فرهنگ اسلامی می‌باشد و برهمگان روشن و مبرهن است که منبع اصلی و اساسی فرهنگ اسلامی کتاب الله و قرآن عظیم می‌باشد.

بنابراین اگر در مسیر تبیین سبک زندگی اسلامی و شاخص‌های آن باشیم، اساساً و اصولاً منبع اصلی و اصل منبع در این زمینه قرآن کریم است.

حال پرسش اساسی ما این است که اگر قرآن منبع اصلی در فهم شاخص‌های زندگی اسلامی قرآن است، سنت و عقل در این مهم از چه جایگاهی برخوردارند؟ و دیگر آنکه نقش دانش‌های تجربی در ارائه الگوی زندگی اسلامی چیست؟ و پرسش نهایی ما آن است که مؤلفه‌های زندگی اسلامی، قرآنی در قلمروهای شناخته شده، کدامند؟

۲- طرح مسأله

اگر سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی را، مجموعه‌ی رفتارها و الگوهای کنش هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد؛ را اطلاق نماییم، طبیعی است که براساس چنین رویکردی، سبک زندگی، علاوه بر اینکه دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و واکنش‌های اشخاص در هر جامعه دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد، در جریان عمل روزمره است، نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز خواهد بود. (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۹ مقاله) که ریشه در فرهنگ دارد. به تعبیری دیگر، فرهنگ خواستگاه سبک زندگی است. اما روشن است که خود فرهنگ نیز متأثر از عوامل متعددی است که یکی از مهم‌ترین این عوامل دین و آموزه‌های وحیانی است.

بدیهی است که هرگاه سخن از سبک زندگی اسلامی و شاخصه‌های آن به میان می‌آید بی‌تردید نظر محققین به قرآن بعنوان منبع اصلی بلکه، اصل منبع معطوف می‌گردد و از آنجا که قرآن در حوزه‌ی ارائه آموزه‌های دین، چنین جایگاه و نقشی دارد.

بی‌تردید برای فهم سبک زندگی اسلامی، نگاه اصلی و اصولی ما باید به سمت آیات قرآن و آموزه‌های مطرح در آن باشد و نظر به سایر منابع، فهم نگاه تبعی است. و به تعبیری دیگر فهم قرآن در خصوص استکشاف مولفه‌های سبک زندگی اسلامی تقدمی رتبی دارد و سایر منابع نسبت به آن متاخرند. بنابراین در فهم شاخص‌های سبک زندگی اسلامی نظر اولی و منبع آغازین و اصولی ما قرآن است.

۱- سبک زندگی و مؤلفه‌های آن

هر اصطلاح علوم اجتماعی، مانند سایر علوم در فضای مفهومی آن قابل درک است. [کنی، ۱۳۸۷، ص ۴۶] اصطلاح "سبک زندگی" نیز به عنوان یکی از اصطلاحات علوم اجتماعی، پیوند مستقیم و وثیقی با مجموعه‌ای از مفاهیم دارد؛ مفاهیمی مانند عینیت و ذهنیت، فرهنگ و جامعه، فرهنگ عینی و ذهنی، صورت (شکل) و محتوا، رفتار و معنا (نگرش، ارزش و هنجار، اخلاق و ایدئولوژی، سنت و نوگرایی، شخصیت و هویت (فردی و جمعی)، وراثت و محیط، فردیت و عمومیت، خلاقیت و بازتولید، تولید و مصرف، طبقه و قشر(بندی) اجتماعی، زیبایی شناسی (سلیقه) و نیاز، منزلت و مشروعیت و ...

بدون شناخت این روابط؛ درک درستی از «سبک زندگی» و نظریه‌های مربوط به آن به دست نخواهد آمد. از سوی دیگر کاربردهای «سبک زندگی» اغلب آن را به همان‌گویی و کلی‌گویی کشانده و از آن برای همه چیز و هیچ چیز استفاده شده است. بگونه‌ای که به اشتباه از آن تحت عناوینی مانند فرهنگ و طبقه یاد می‌شود. پس باید به دنبال معنای دقیقی بود، معنایی که رابطه‌ی «سبک زندگی» را با سایر پدیده‌ها و مفاهیم نشان دهد.

۱-۳ - معنا و مفهوم سبک زندگی

در مسیر یافتن تعریفی از سبک زندگی (life style)، با لحاظ مفهوم وحدت و جامعیت و مفهوم تمایز و تفارق که در اکثر تعاریف به چشم می‌خورد، می‌توان گفت سبک‌های زندگی، حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی فرد می‌باشد و نشان دهنده کم و لیکن نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه است. به عبارتی سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دارد.

اما نکته مهم این است که توجه داشته باشیم که سبک زندگی مبین بخشی از فرهنگ است که در جوامع امروزی نقش مهمی در زندگی مردم بازی می‌کند. چرا که با مسائل کلیدی و حساسی همچون هویت (تمایز) فردی و اجتماعی و فعلیت بخشیدن به قدرت تشخیصی و انتخاب یا حداقل ایجاد احساس آزادی عمل پیوند خورده است، مسائلی که پاره‌ای از بنیادی‌ترین وجوه انسانی را بیان می‌کند بدین ترتیب اهمیت مفهوم سبک زندگی در این است که سطحی‌ترین لایه‌های زندگی (از آرایش مو و لباس گرفته تا حالت بیانی و ژست صورت و بدن) را به عمیق‌ترین لایه‌های آن پیوند می‌زند [کنی، ۱۳۸۷، ص ۱۷-۱۸]

۲-۳ - مقصود از مولفه‌های سبک زندگی

دانشمندان یکی از راه‌های درک بهتر مفهوم سبک زندگی را بررسی عناصر و مولفه‌های می‌دانند منظور از مولفه، اموری است که مصداق عینی زندگی محسوب می‌شود.

زیمل، وبلن و وبر، شیوه‌ی تغذیه، خودآرایی نوع پوشاک و پیروی از مد، نوع مسکن، نوع وسیله حمل و نقل شیوه‌های گذراندن اوقات فراغت و تفریح ... را بتوان مولفه‌های سبک زندگی برشمرد. آدلر سبک زندگی را شامل همه‌ی رفتار، افکار، احساسات فرد و حرکتش به سوی هدف می‌داند.

چاپین (۱۹۳۵) و اسول (swell ۱۹۹۰) تأکید اصلی‌شان بر بررسی محل سکونت، نوع خانه و وسایل اتاق و دیگر جلوه‌های عینی‌شان و منزلت بوده.

کنی، مؤلفه‌های سبک زندگی را در چهار مقوله طبقه بندی می‌کند:

- اموال (سرمایه‌ای، مصرفی)
- فعالیت‌ها (عادات، شغل، گذراندن اوقات فراغت و غیره)
- نگرش‌ها و گرایش‌ها
- و روابط انسانی (از بین فردی گرفته تا اجتماعی)

در جمع‌بندی و با توجه به آراء گوناگون محققین در این زمینه؛ می‌توان گفت، مولفه‌های سبک زندگی در تحقیقات علمی توسعه یافته، لکن این توسعه دارای محور است و محور آن مفهوم سلیقه Taste^۳ است. عبارت دیگر، این مولفه‌ها، تقریباً همگی به جنبه‌هایی از زندگی انسان مربوط است که فرد حسب ذوق و سلیقه خود یا گروهی که در آن عضو است در موردش دست به انتخاب می‌زند که اندیشمندان علوم اجتماعی نیز این واژه (سلیقه) را با همان معنای لغوی یا زیبایی شناختی بکار برده‌اند و آن را یک اصطلاح خاص رشته خود تلقی نکرده‌اند. بعنوان مثال زیمل سلیقه را توان گزینش شکل (صورت‌های) مناسب رفتاری‌ای می‌داند که فرد به منظور عینیت دادن به معانی مورد نظر خود (فردیت برتر) بر می‌گزیند (Si mel, ۱۹۰۸, ۳۱۴)

زیمل این تعریف از سلیقه را در خلال تعریف از سبک زندگی ارائه می‌کند که به معنای لغوی سلیقه نزدیک است [کنی، ۱۳۸۷، ص ۶۶ و ۶۵]

۴- سبک زندگی اسلامی و مولفه‌های آن

بی‌تردید همانگونه که بیان شد برای یافتن معنا و مفهومی روشن از سبک زندگی می‌بایست به سراغ فهم مولفه‌ها و شاخصه‌های آن برویم. (کنی، ۱۳۸۷، ص ۵۹) پس روشن است که برای رسیدن به معنا و مفهومی روشن از سبک زندگی اسلامی، ابتدا به درکی روشن

^۳ واژه ی Taste در اصل به معنی مزه و طعم و قوه چشایی بوده، اما بعدها به معنای میل - علاقه- اشتیاق - دوست داشتن- لذت بردن- قدرت تشخیص گسترش یافته است.

از مولفه های سبک زندگی دست یافت و آنگاه از آن مسیر به درک معنا و مفهومی روشن از سبک زندگی رسید و بی تردید همانگونه که پیشتر بیان شد منبع اصیل در این خصوص آیات قرآن است. لذا برای یافتن و فهم (استکشاف) شاخصه ها باید به سراغ قرآن رفت.

۵- قرآن منبع اصلی استخراج مولفه ها

مراد از قرآن، همان کتابی است که از جانب خداوند بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده و الفاظ و معانی و اسلوب آن هم از سوی خداست. قرآن حجت قاطع میان خلق و خالق بوده و منبع احکام شریعت اسلام شمرده می شود. (حجر/ ۹)

قرآن از نظر سند قطعی (قطعی الصدور) می باشد، زیرا خداوند نزول آن را به خود نسبت داده و آن را کلام خود می داند و حفظ آن را نیز خود برعهده گرفته است. (حجر/ ۹) و ثانیاً الفاظ و عبارات آن به تواتر برای مسلمانان نقل شده به گونه ای که صدور آن از جانب خداوند قطعی و مسلم است. یعنی قطعی الصدور است (قافی / شریعتی، ص ۷۷-۱۳۸۹ / آخوند خراسانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۲۸)

قرآن از هرگونه تحریف لفظی مصون می باشد (خویی - ۱۴۰۸ ق، ص ۲۵۱)

قرآن از جنبه دلالت نیز، گر چه در حوزه متشابهات و محکمت رویکردی متفاوت دارد لکن به هر حال دریافت صحیح دلالت آن، نیز محلی از اشکال نیست. (وهبه زحیلی، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۵۷-۲۵۶)

۵-۱ - قرآن جامع نیازهای هدایتی انسان

همانطور که خداوند خود در قرآن می فرماید، کتابی است جامع که هر رطب یا بسی در حوزه هدایت و کمال انسان نیاز باشد. آن را بیان نموده است. (انعام/ ۵۹) و قرآن بیان کننده همه چیز است و «نزلنا علینا الكتاب تبیان لکل شیء» و این کتاب را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان کننده همه چیز است (نحل/ ۸۹) «و ما فرطنا فی الكتاب حق شیء» (انعام/ ۳۸) «الم، ذلک الكتاب لاریب فیه، هدی للمتقین». (بقره/ ۱ و ۲)

بدیهی و روشن است که آیات قرآن به جهت جامعیت و جاودانگی قرآن از کلیت برخوردارند و نیازمند به تفسیر و تطبیق می باشند. بنابراین مفهوم و معنای حدیث ثقلین کاملاً مشهود است*. بنابراین فهم عناوین و موارد هدایت از مسیر آیات قرآن کریم نیازمند تبیین از ناحیه سنت و عقل می باشد؛ (و انزلنا علیک الكتاب لتبیین للناس (نحل/ ۸۹) اما بهر حال بهره مندی از سایر منابع فهم مانند سنت و عقل در راستای درک و فهم معادن دانش الهی که در آیات قرآن مطرح است می باشد و وجودی استقلالی ندارند. (روایت مخالف قرآن به دیوار زده شود)*

۶- نحوه استخراج مؤلفه های زندگی اسلامی از قرآن

* انی تارکم فیکم ثقلین، کتاب الله و عترتی

همانگونه که بیان شد منبع سنت و عقل در مسیر فهم و درک آموزه های قرآن مورد استفاده می باشد و در استخراج هر مطلب باید ضابطه های علمی و همچنین استفاده از مسلمات مدنظر قرار گیرد، اما در راستای فهم آموزه های دینی، همه آیات قرآن لزوماً نیازمند به تفسیر سنت یا عقل نمی باشند، یعنی برخی از آیات در ارائه مراد خویش مبین اند و برخی آیات دیگر با تخصص ها، نواسخ، اجمال ها می باشد. لذا فرآیند فهم آیات قرآن بعنوان منبع اصلی آموزه های دینی در هر زمینه فرآیندی روش مند و قانون مند می باشد.

۱-۶ - ضابطه های کلی در فهم آموزه ها از آیات قرآن

می دانیم که آیات قرآن در مقام دلالت، ابتدا به دو دسته کلی متشابهات و محکمتات تقسیم می شوند و محکمتات نیز شامل نص و ظاهرند. (مظفر، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰/نائینی، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۳۵)

نصوص قرآنی دارای معنایی صریح و روشن می باشد. در نتیجه دلالتش بر معنای مورد نظر قطعی و یقینی است (قطعی الدلاله می باشد) مانند آیه «الله خالق کل شیء» و آیات قذف- زنا - ارت. (عبدالبر، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۹) و ظواهر آیات نیز به استناد بنای عقلاء؛ معتبر و مفهومی. (مظفر، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰)

اما آیات متشابه قرآن که دلالت واضحی بر یک معنا ندارند و دارای اجمال و ابهام هستند؛ طبعاً نمی توانند بیان کننده مقصود و مراد واقعی خداوند باشند. زیرا احتمال چندین معنا در آنها وجود دارد، مانند «الی ربها ناظر» که مدلول حقیقی آن یعنی نظر کردن با غیر چشم سر، روشن نیست و با مدلول دیگر یعنی نظر کردن با چشم سر مشته شدنی است. همچنین است آیه «الرَّحْمَنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوَى» پس این دسته از آیات حجیت ندارند و نمی توان برای استنباط احکام شرعی به آنها استناد نمود. البته در صورتی که معنای واقعی آن به کمک آیات محکمتات قرآن یا بوسیله تفسیر و تاویلی که از سوی معصوم علیه السلام ارائه می گردد روشن شود. در این صورت حجّت و معتبر خواهد بود (قافی / شریعتی، ۱۳۸۹، ص ۸۰)

۲-۶ - رابطه قرآن علوم تجربی در استنباط مؤلفه ها، از قرآن

شکی نیست که قرآن را نمی توان به عنوان یک کتاب علوم طبیعی معرفی کرد و نباید انتظار داشته باشیم که تمام اسرار علوم طبیعی، فرمول های ریاضی، جزئیات علم تشریح و یا نام و نشانی تمام داروها؛ بیماری ها و راه پیشگیری یا درمان آنها- با همه خصوصیات و جزئیات آنها - در قرآن باشد، چرا که قرآن برای این هدف نازل نشده است. قرآن یک دایره المعارف نیست، بلکه یک کتاب تربیت و هدایت است. هدایت نوع بشر به سوی یک زندگی به تمام معنی انسانی و سعادت مندانه- با همه ویژگی هایش - و این هدف را تأمین نموده است. و اگر می بینیم که قرآن خود را چنین معرفی می کند «و نزلنا علیک الكتاب تبیانا لکل شیء»، «این کتاب را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان کننده همه چیز است، (نحل/ ۸۹) با منظور یک امر نسبی است. یعنی تمام اموری که در این هدف دخالت دارند و آنچه که به تأمین یک زندگی سعادت بخش انسانی و تربیت نوع انسان کمک می کند، در این کتاب آسمانی هست و یا اینکه کلیات و اصول

علوم و دانش‌ها و آنچه که انگیزه انسان برای کشف و جستجوی اسرار طبیعت و قوانین آفرینش است در آن وجود دارد و نه جزئیات آنها. (پاک نژاد، ۱۳۵۲، ص ۱۴۹) بنابراین اگر چیزی از اسرار علوم و حقایق جهان آفرینش در آن باشد به طور حتم برای یک هدف تربیتی و اخلاقی و یا تعلیم درس توحید و خداشناسی آمده است و نه به عنوان عرضه کردن علوم طبیعی و مانند آن به سبک یک دایره المعارف. با همه این احوال بسیاری از علمای اسلام در گذشته و هم در عصر ما، معتقدند که قرآن حاوی دقیق‌ترین مسائل علمی جهان مادی و اسرار آفرینش و هر آنچه بشر در طول زمان با زحمات فراوان کشف کرده است و در آینده کشف خواهد کرد، همه و همه در قرآن وجود دارد. (زنجانی، ۱۳۶۶، ه. ش، ص ۱۴۵).

از دانشمندان گذشته می‌توان از غزالی یاد کرد. وی در احیاء العلوم می‌گوید «قرآن شامل ۷۷۲۰۰ نوع علم است، زیرا هر کلمه قرآن یک علم است و هر کلمه دارای چهار سو و جهت، زیرا که هر کلمه ظاهری دارد و باطنی و نیز هر حرفی از آن مطلعی و سرآغازی». (غزالی، ۱۳۴۸ ه. ش، ص ۱۳۵)

از میان دانشمندان معاصر نیز می‌توان به «طنطاوی» اشاره کرد که کتاب تفسیر وی در حقیقت دایره المعارف علوم جدید است. او به بیان مسائل علمی قابل تطبیق با قرآن در زمینه‌های فیزیک، شیمی، پزشکی، هیأت، نجوم، هینوتیزم، روانکاوی و ... اکتفا نکرده، بلکه برای توضیح بیشتر مطالب از تصاویر و عکس‌های مختلف نیز استفاده نموده است.

پس قرآن تا آنجا که برای هدایت بشر لازم و ضروری است به ذکر مسائل و تبیین اسرار آفرینش می‌پردازد و از آن جمله است اشارتی که قرآن به خلقت آسمان‌ها و زمین و انسان و سایر موجودات دارد. به هر حال وجود اینگونه آیات در قرآن کریم موجب گردیده است، گروهی در جهت فهم، چنان طریق افراط را در پیش گیرند که آیه‌های قرآن را با کمترین تناسب بر یک سلسله فرضیه‌های علمی - و نه حقایق مسلم و قطعی - تطبیق دهند و به گمان خود از این راه به شناسایی قرآن خدمتی نمایند.

در برابر این دسته، گروه دیگری هستند که راه تفریط را پیموده‌اند و معتقدند که ما به هیچ وجه حق نداریم مسائل علمی را، هر قدر مسلم باشد؛ بر آیه‌های قرآن تطبیق دهیم. بقول علامه طباطبایی هیچکدام از ائمه هدی حتی در یک مورد به دلیل‌های عقلی و فرضیه‌های علمی برای تفسیر آیات دست نزده‌اند، (طباطبایی، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱ و ۱۲)

پس نکته بسیار مهم این است که باید بطور جدی در صدد فهم آیه قرآن با شیم، نه اینکه پیشاپیش چیزی را پذیرفته باشیم و بعد بخواهیم همان را بر آیه‌ای تطبیق کنیم و پیش داوری‌هایی از مفاهیم فلسفی باشد یا عرفانی یا علوم تجربی یا جامعه‌شناسی و غیر آن. (معارف قرآن ص ۲۲۹ / طباطبایی، ۱۴۱۵ ق، ص ۴) پس بسیار روشن است که هم افراط در تطبیق بی‌تناسب آیات قرآن بر فرضیات علمی و هم تفریط و تعصب و جمود در این مورد، بی‌دلیل به نظر می‌رسد و بهترین نوع تعامل آموزه‌های دینی و قرآنی در نتیجه تفسیر علمی قرآن، آنست که معیارهایی چند در امر تفسیر علمی مورد توجه جدی و امحان نظر قرار گیرد. معیارهایی چون ضوابط علمی

اگر بپذیریم که هم آیات منصوص و ظواهر و هم آیات متشابه، می توانند با به خدمت گرفته شدن آموزه های علوم مختلف مورد فهم واقع شوند مبتنی بر این مبنا و این اصل مهم که قرآن منبع اصلی و جامع هدایت انسان در همه زمینه های تربیتی و استکمالی است می توان یافته های دانش بشری را به خدمت گرفت تا نیازهای هدایتی خویش را در هر زمینه به دست آورد. حال با نظر به این معنا، بر ما روشن می گردد که قرآن در همه ی حوزه های حیات بشری و از جمله در همه ی آنچه بعنوان سبک زندگی اسلامی مطرح است. آموزه های لازم را در اختیار انسان قرار داده است.

حوزه ی بینش ها (اعتقادات به معنای کلی)، گرایشات (رغبت ها و کوشش ها، احساسات و عواطف) کنش ها (رفتار و کردار) البته آنچه که حائز اهمیت ویژه می باشد، آن است که اگر فرآیند استنباط و فهم آموزه های دینی از قرآن به طور جامع و در یک دستگاه نظام مند که امروزه از آن تعبیر به اجتهاد فقهی می شود، مورد توجه واقع شود، می توانیم با فعال نمودن عوامل اجتهاد و استنباط؛ می توان مسائل مورد نظر در سبک زندگی را از سطحی ترین لایه های آن مانند (آرایش مو و لباس) تا حالت بیانی و ژست صورت و بدن - تعارفات - شیوه های گفتگو و ... به عمیق ترین لایه های آن مانند (الگوهای رفتاری - اخلاق و اعتقادات و بنیادهای اندیشه پیوند زد، زیرا که ساختار نظام اجتهاد با دخالت دادن و استقبال از عناصری مانند عرف - مصلحت - سیره یعنی عادت مستمر مردم، راه را برای استخراج و استکشاف نظرگاه دین باز نموده است. (بحر العلوم، ۱۴۲۰ ق، ص ۷۵) اما آنچه در این فرآیند فراموش نمی شود آن است که منبع اصلی در دستگاه استنباط و اجتهاد، منبع اصلی و اصل منبع قرآن و آیات آن می باشد (جنّاتی - ۱۳۷۰، ص ۹۶)

۸- مصادیقی از مولفه های سبک زندگی اسلامی مستخرج از قرآن

اکنون کاملاً روشن است که می توان در همه ی لایه های سطحی و عمیق و همه قلمروهای زندگی انسان در گستره ی تجدیدپذیر زمان به همه مقتضیات اسلامی در سبک زندگی با استمداد از قرآن و با گذشتن از مسیر اجتهاد، دست یافت شایسته است به مواردی از این دست اشاره نمود.

به عنوان مثال، در ریاست زن در حکومت؛ مانعی وجود ندارد. برخلاف آنچه که قبلاً بیان می شد که وجود حرمت و حجاب زن؛ مانعی در این امر است؛ اما اکنون با وجود کتاب، سنت، اجماع و وجوه استحسانی ثابت نمود که رئیس دولت حتماً نباید مرد باشد و زن برای تعلیم و تعلم، مصالح سیاسی و سازمانی و شبیه به آن می تواند از منزل خارج شود و در این امر اختلاط با مردان بیگانه منعی ندارد. (شمس الدین، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴) و یا آنکه مرد بودن قاضی؛ از مسائل تقدیمی اجتهادی و استنباطی فقیهان است و اجماع در آن، حاکی از نظر امام معصوم علیه السلام نیست و لذا اتفاق نظر فقیهان بر این شرط حجّت نمی باشد. (شمس الدین، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴)

همچنین مسائلی چون شهادت، میراث و دیه و حق طلاق زن؛ که در همه ی این موارد و موارد دیگر خداوند در قرآن کریم؛ حدود و شروط را برای همگان بیان کرده است.

نتیجه گیری:

سبک زندگی مبین بخشی از فرهنگ است که پاره‌ای از بنیادی‌ترین وجوه انسانی را بیان می‌کند و اهمیت آن در این است که سطحی‌ترین لایه‌های زندگی را به عمیق‌ترین لایه‌های آن پیوند می‌زند.

بی‌تردید سبک زندگی اسلامی مانند هر سبک زندگی دیگر خاستگاهش فرهنگ مربوط به آن است و بر همگان روشن می‌باشد که قرآن و کتاب الله، خاستگاه اصلی فرهنگ و سبک زندگی اسلامی است.

در مسیر پی‌جویی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی، منابعی چند در کنار قرآن مطرح می‌باشد؛ مانند عقل، سنت و همچنین علوم تجربی که از ره آوردهای دستگاه ادراک انسان است.

فهم شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی در لایه‌های عمیق و حتی سطحی‌ترین لایه‌های آن، خاستگاهی جز قرآن ندارد، زیرا سنت، عقل و یافته‌های علوم تجربی، همه و همه در خدمت فهم و استکشاف مطلوب از منبع اصلی، یعنی همان قرآن می‌باشد، و این تصور که منبعی دیگر در عرض قرآن از اصالت ذاتی برخوردار باشد، اندیشه‌ای ناصواب می‌باشد، البته فرآیند اجتهاد است که همه منابع دیگر، غیر از قرآن را در راستای فهم مطلوب از قرآن به خدمت می‌گیرد.

منابع و مأخذ:

الف: کتاب

- ۱- قرآن
- ۲- مهدوی‌کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۸۷
- ۳- محمد حسین زاده، عبدالرضا، مباحث اصول، انتشارات پیام مصطفی، کرمان، ۱۳۹۳
- ۴- شمس الدین، محمد مهدی، حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۸۸
- ۵- جناتی، محمد ابراهیم، منابع اجتهاد، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۰
- ۶- قافی، حسین / شریعتی، سعید، اصول فقه کاربردی، انتشارات تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹

- ۷- آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۲ ق
- ۸- خوبی، سید ابوالقاسم، بیان، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۸ ق
- ۹- زحیلی، وهبه، اصول الفقه الاسلامی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۶ ق
- ۱۰- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۷۰
- ۱۱- نائینی، محمد حسین، فوائد الاصول، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۱ ق
- ۱۲- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۵ ق
- ۱۳- غزالی، محمد، احیاء علوم الدین، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۴۸
- ۱۴- پاک نژاد، سید رضا، قرآن و آخرین پیامبر، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲
- ۱۵- زنجانی، عمید، مبانی و روشهای تفسیر، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۶

ب: مقالات

۱- فاضل قانع، حمید، ۱۳۹۱، «نقش و جایگاه سبک زندگی در فرایند شکل گیری تمدن نوین اسلامی» مجموعه مقالات

پانزدهمین جشنواره بین المللی پژوهشی شیخ طوسی، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۹۳-۱۷۳

بهرامی، حسین، «سبک زندگی اسلامی»، سایت مقالات